

خانواده و پیشگیری از آسیب های اجتماعی

امروزه آسیب های اجتماعی به عنوان یک تهدید جدی سلامت کودکان و نوجوانان را با خطر مواجه ساخته است. رشد شهرنشینی، پیدایش جامعه توده وار یا گسترده، برخورد و تضاد میان هنجارها، از هم پاشیدگی روابط متقابل بین افراد، تأثیر گروه همسال و... توجه به آسیب های اجتماعی را امری اجتناب ناپذیر ساخته است. اگرچه آسیب های اجتماعی می تواند بسیار گسترده باشد لیکن می توان مسائلی از قبیل اعتیاد، فرار از خانه، خشونت، انزوای اجتماعی، ناهنجاری های رفتاری، سرقت و کودک آزاری را از جمله نتایج آسیب های اجتماعی عصر حاضر تلقی کرد.

در این بخش به اجمال، عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های اجتماعی و نقش خانواده در پیشگیری از آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های اجتماعی

مطالعات انجام شده در ارتباط با آسیب های اجتماعی، عوامل زیر را منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی قلمداد نموده اند. در این بخش هر یک از عوامل به اجمال مورد بررسی قرار می گیرد.

- ۱- نابرابری های اقتصادی و اجتماعی: اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت هایی قرار می دهند که نمی توانند نقش های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پایبندی به قوانین را ایجاد می کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد.

۲ - رفاه اقتصادی خانواده: در خانواده هایی که رفاه و درآمد اقتصادی زیاد است، روابط انسانی بر اثر

کثرت کار و یا سرگرمی ضعیف تر می گردد. ضعف روابط انسانی به نوبه خود عامل مساعدی برای کشش به سوی انحرافات اجتماعی است. امروزه والدین و فرزندان نسبت به هم احساس و عاطفه گذشته را ندارند، چون با یکدیگر تماس و ارتباط کمتری دارند و از طرف دیگر افرادی که درآمد بیشتر از حد دارند، موقعیت و زمینه مساعدتری برای تفریحات متنوع در داخل و یا خارج از کشور را دارند و بدیهی است که این قبیل امکانات برای مصرف و فروش مواد مخدر زمینه بسیار مساعدی است.

۳ - فقر مادی خانواده: در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی است. از آن جایی که بیشتر مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می نمایند، از طبقات پایین اجتماعی بوده اند در عصر حاضر از فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته های جوانان آن طبقه با آن چه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می گیرد. عمده ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشارهای حاصله از شکست در رسیدن به هدف های معین است.

۴ - بیکاری: بیکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک ها می گذرانند و این گونه اماکن، بهترین و مناسب ترین مکان برای کشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است.

۵ - رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی: اگر در جامعه ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از آن صنعت به طور عادلانه توزیع نگردد، امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد:

اولاً کارکنان برای اداره زندگی خود مجبور می شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می شود.

اگر در آن جامعه برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاری مردم از طرف دولت برای استفاده از اوقات فراغت، برنامه ریزی های اجتماعی نشده باشد، زمینه مساعدی برای گرایش به انحرافات اجتماعی فراهم می شود.

ثانیاً مشکل ترافیک در شهرهای بزرگ منجر به خستگی ناشی از کار در افراد شده در نتیجه والدین قدرت تربیت و سرپرستی فرزندان را نخواهند داشت و بی توجهی نسبت به پرورش کودکان و نوجوانان به گرایش آنان به سمت انحرافات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت و... کمک خواهد کرد.

ثالثاً رشد شهرها باعث افزایش فاصله و شکاف طبقاتی شده و این خود به خود باعث می شود برقراری ارتباط با دوستان و خویشاوندان کمتر شده و زمینه برای ایجاد انحرافات اجتماعی فراهم شود.

۶ - ستیزه والدین: اختلافات زناشویی و نزاع بین پدر و مادر باعث می شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان، ناامن و نامناسب شود. وقتی خانواده، کانون و محیط مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می کند بیشترین اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این کار ارتباط او را با دیگرانی که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می گردند، زیاد می کند و آنها پس از شناخت مشکل شخص در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و برای فرار از این واقعیت تلخ، فرد را به سوی اعتیاد و دیگر انحرافات اجتماعی فرا می خواند. هر چقدر ستیزه های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش به طرف انحرافات اجتماعی بیشتر است.

۷ - شیوه های تربیتی والدین: مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که رفتارهای کودکان و نوجوانان با شیوه های تربیتی والدین رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. شیوه های تربیتی والدین می بایست با سطح نیازها و خواسته های مختلف فرزندان و همچنین با متدهای تربیتی صحیح اسلامی هماهنگ باشد. چنانچه

والدین از شیوه های تربیتی مبتنی بر اصول اعتقادی و مذهبی استفاده نمایند، نتیجه مطلوب در رفتار فرزندان منعکس خواهد شد.

۸- عدم آگاهی و بینش صحیح والدین: مطالعات نشان می دهد کسانی که محروم از تحصیلات بوده و بینش صحیح نسبت به جامعه، تربیت و... نداشته باشند، امکان فریب خوردن و انعطاف پذیری آنها برای ارتکاب به کارهای انحرافی و برخلاف قانون بیشتر است. چون تخصص و آگاهی ندارند، نمی توانند از طریق عادی، زندگی خود را تأمین کنند و به همین دلیل است که جامعه شناسی یکی از راه های پیشگیری از جرائم را عدالت آموزشی می داند.